info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۴۰۳
دوشنبه / ۲۸ خرداد/ ۱۳۹۸
۱۴ / شوال / ۱۴۴۰
18 / Jun/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون، کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

با شعرای کرج

رویا

چه شب هایی
که من با بی قراری
پشت پرچین های باغ قصه
ماندم
چشم در راهت

همان جایی
که روز آشنایی
گل به من دادی
تو خندیدی و من دیوانه دل دادم به لبخندت

و یک پروانه را
پَر دادم از گیسوی شبرنگت
تو خندیدی و نازیدی
و گفتی باز می گردی

و من در انتظارت
هفته ها آنجا نشستم
تا تماملت کنم
وقتی که از بیراهه
می آیی

که ماه آمد
کمی تابید و پنهان شد
و ابر آمد
کمی بارید و رفت
اما تو هرگز، هرگز
ای رویای شب هایم
کجا ماندی

علی حیدری(هریس)

تلنگر

لطمه‌ای که ادبیات امروز می‌خورد

یعقوب آزند از لطمه‌ای که قاصله گرفتن از ادبیات کهن به آثار ادبی معاصر می‌زند و گرفتار شدن ادبیات داستانی و نمایشی می‌گوید.

به گزارش پیام آشنا- به نقل از ایسنا: این پژوهشگر و مترجم درباره میزان نسود ادبیات کهن در آثار ادبی معاصر اظهار کرد: من با مطالعه‌ای که روی ادبیات معاصر و همچنین ادبیات کهن دارم، تصور می‌کنم تاثیر ادبیات کهن بر ادبیات معاصر کم شده است. ادبیات کهن ما تا دوره مشروطه ویژگی خاصی داشت. از دوره مشروطه حال و هوا و شرایط خاصی بر ادبیات ما حاکم شد که با گذشته فرق کرد. اما این برای آن‌ها که پیشرو ادبیات معاصر بودند دلیلی برای دور شدن از ادبیات گذشته نشد. همه شاعران و نویسندگان آن دوره با ادبیات کهن در ارتباط بودند و از آن شناخت کافی داشتند اما با ظرفیت‌های تازه و خصوصا با شناختی که از لغات و صور خیال گذشته داشتند، توانستند با بهره‌گیری از سنت‌های گذشته، ادبیات جدید و بیرایی ایجاد کنند.

او افزود: اما من اخیرا احساس می‌کنم که به‌خصوص در ادبیات نمایشی، ادبیات داستانی و حتی شعر اثر ریذیری از ادبیات کهن کمتر شده است و داستان‌نویسان و نمایش نامه‌نویسان معاصر متون گذشته را نمی‌خوانند و همه چیز برای‌شان سهل الوصول شده است. وقتی نوشته‌های‌شان را می‌خوانم گاهی تعجب می‌کنم که چگونه حتی از نظر دستور زبان و دیگر موارد اشتباه دارند و مدعی هم هستند که داستان‌شان آن ادبیت گذشته را پیدا کند و همانند دیگران مشهور شوند.

این نویسنده با بیان این‌که از ادبیات گذشته فقط خواندن حافظ و فردوسی کفایت نمی‌کند، گفت: شاعران و نویسندگان امروز باید آثار زیادی از نثر و شعر دوره‌های مختلف ایران را مطالعه کنند و بعد خودشان به یک زبان ادبی جدید برسند. اما متاسفانه مطالعه آن‌ها خیلی کم است و من بارها و بارها دیده‌ام که از نظر دستوری و واژگان در آثارشان مشکل دارند. واژگان جدیدی می‌سازند و بعد خیال می‌کنند که ادبیات همین است.

آزند سپس درباره آسیب‌های ناشی از بی‌توجهی شاعران و نویسندگان جوان به ادبیات کهن اظهار کرد: به نظر من شرایط زمانه تغییر کرده است و نمی‌توان جوانان را برای این مسئله شماتت کرد. اما جوانی که وارد ادبیات می‌شود واقعیت این است که باید دنبال اینترنت نباشد. اگر هم هست باید برای خودش مشخص کند که کجای اینترنت به دردش می‌خورد یعنی وقتش را صرف چیزهای پیش پا افتاده که او را به طرف سادمغزی و سهل‌انگاری می‌راند، نکند و حداقل ادبیات را از دوره مشروطه به بعد مطالعه کند. چون مشخص است که این نسل حتی از دوره معاصر هم شناخت کمی دارند. اما آن‌ها که شناخت خوبی دارند نویسندگان و نمایش‌نامه‌نویسان خوبی هستند.

او با ابراز تاسف برای وضعیت شعر امروز گفت: شعر امروز ما مانند گار نیست. این شعرهایی که می‌سرایند و ترانه‌هایی که می‌خوانند اصلا دارای صور خیال شعری و آن‌چه عاطفه و احساس انسان را به هیجان درمی‌آورد، نیست؛ درحالی که باید سنت را قهمید و آن را به صورت مدرن درآورد.

یعقوب آزند افزود به راحتی می‌توان گفت که از دهه ۸۰ به بعد داستان‌نویسی ما گرفتار قرمالیسم بدی شده است. همه چیز درون این قرمالیسم پیچیده شده و هیچ چیز به ادبیات ایران اضافه نکرده است البته شاید هم ما که از نسل قبل هستیم نمی‌توانیم با این‌ها ارتباط برقرار کنیم.

او با اشاره به این‌که آن‌چه امروز سروده می‌شود، شعر نیست، ادامه داد: برای ادبیات ما که تنهای عظیم از قرهنگ و شعر دارد، این‌ها چیزی نیست که به فرهنگ‌مان بیفزاید. آن اکبر رادی بود که می‌خواست چیز جدیدی را نثرش به ادبیات ایران بیفزاید یا سامدی و تصیران بودند. چیزهایی به یادگار گذاشتند که ادبیات نمایشی ایران را شکل داد اما این روزها اشتباهات زیادی در نمایشنامه‌نویسی دیده می‌شود خصوصا که واژه‌های عامیانه را در ادبیات به کار می‌برند که به ادبیت اثر چیزی اضافه نمی‌کند.

گر چه ما بندگان پادشهیم
پادشاهان ملک صبحگهیم
گنج در آستین و کیسه تهی
جام گیتی نما و خاک رهیم

خنده

به غفلت مگذران چون شمع
شب را زسیه کاری
که دل روشن شود از گریه‌ی
مستانه در شبها

صائب تبریزی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۳	۰۵:۵۱	۱۳:۰۹	۲۰:۲۵	۲۰:۴۵

برگه

یا مشغول زندگی کردن باش یا مردن.

استفن کینگ

خبرچه

آمار کاربران اینترنت در جهان

موسسه بلند کیپتال گزارش سالانه خود در مورد آمار استفاده از اینترنت را منتشر کرده که طبق آن هند و چین بیشترین تعداد کاربران اینترنت را به خود اختصاص داده‌اند و ایران رتبه ۱۲ را دارد.

به گزارش پیام آشنا، بعد از این دو کشور آمریکا، اندونزی، برزیل، ژاپن، روسیه، مکزیک، آلمان، فیلیپین، انگلیس، ایران، تیجریه، فرانسه و ترکیه بیشترین تعداد کاربران اینترنت را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین ایران هم اکنون دوازدهمین کشور در فهرست برترین کشورها از نظر تعداد کاربران اینترنت است.

درحال حاضر میزان جمعیت آنلاین جهان از مرز ۵۰ درصد گذشته و به ۳/۸ میلیارد نفر رسیده است. طبق همین گزارش از میان ۱۰ شرکت که در جهان با ارزش‌ترین هستند، هفت شرکت در حوزه فناوری فعال هستند که از جمله آنها می‌توان به مایکروسافت، آمازون، اپل، آلفابت و فیس‌بوک اشاره کرد. همچنین از میان ۳۰ شرکت برتر جهان از نظر میزان ارزش ۷ شرکت چینی هستند. همین گزارش نشان می‌دهد مدت زمان صرف‌شده برای مشاهده محتوای چندرسانه‌ای از طریق گوشی‌های هوشمند با مدت زمان صرف شده برای این کار از طریق تلویزیون‌ها تقریبا برابر می‌رسد که حالا به رقم ۱۲۲ دقیقه رسیده است. میزان تصب بلندگوی هوشمند آمازون اکو هندی Reliance Jio با ۲۰۷ میلیون تقر مشترک رکورد ۱۷ دقیقه‌ای را در زمینه مصرف داده توسط مشترکان خود در سال ۲۰۱۸ به ثبت رساندهاست.

این درحالی است که کل مصرف ترافیک اینترنت دنیا در ماه در سال ۲۰۱۰ به حدود ۲۱ اگزابایت می‌رسید که حالا به رقم ۱۲۲ اگزابایت رسیده است. اپراتور تلفن همراه در سراسر جهان که چهار سال قبل عرضه شد از مرز ۴۷ میلیون واحد گذشته است. استقبال از پوشیدنی‌های هوشمند تیز رو به افزایش است و تعداد کاربران آنها در چهار سال اخیر دو برابر شده و به ۵۲ میلیون تفر رسیده است. تعداد کاربران بازی‌های ویدئویی در جهان با رشد ۶ درصدی در سال ۲۰۱۸ به ۲/۴ میلیارد تفر رسید. همچنین در سه ماه اول سال ۲۰۱۹ حدود ۸۷ درصد از ترافیک وب جهانی رمزگذاری شده بود که نسبت به رقم ۵۲ درصدی سه سال قبل افزایش چشمگیری نشان می‌دهد. درحال حاضر فیس‌بوک و یوتیوب و توییتر با تصاحب ۲۱.۴۲ و ۱۲ درصد از بازار خبر اینترنتی مهم‌ترین منابع کسب خبر در فضای مجازی محسوب می‌شوند. ۴۲ درصد از توجوانان آمریکایی در زمان استفاده از اینترنت، تام‌گذاری‌های زننده و توهین‌آمیز را تجربه کرده‌اند و ۱۶ درصد شاهد تهدید آزار فیزیکی بوده‌اند.

مقاله

برخورد با همکاری که نقش قربانی را بازی می کند

بعضی‌ها دوست دارند همیشه نقش قربانی را بازی کنند. هیچ وقت هیچ چیز تقصیر آنها نیست و فکر می‌کنند همه می‌خواهند برایشان دردسر درست کنند یا به آنها صدمه بزنند. کار کردن با چنین همکاری می‌تواند به شما آسیب بزند. بهترین راه برای محافظت از خودتان چیست؟ چطور می‌توانید به همکارتان کمک کنید که طرز فکرش را تغییر دهد؟ و چطور می‌توانید آسیب احساسی کار کردن با چنین کسی را کنترل کنید؟

«هالی ویکز»، سخنران مدرسه کندی هاروارد و نویسنده کتاب «شکست در برقراری ارتباط» می‌گوید: «کار کردن در کنار کسی که همیشه احساس می‌کند قربانی است، واقعا افسرده‌کننده است. حس می‌کنید در آن شرایط گیر کرده‌اید و راه فراری نیست. وقتی او را می‌بینید که دارد به سمتتان می‌آید، انرژی منفی لش دلسردتان می‌کند.»

«ایمی جن سوه»، از مدیران شرکت «پاراپوس پارتنرز» می‌گوید: «شاید بزرگ‌ترین چالش در برخورد با همکاری که این طرز فکر را دارد، انرژی منفی‌ای است که از خودش ساطع می‌کند. وقتی سرتان شلوغ است، آخرین چیزی که می‌خواهید بودن در کنار کسی است که همیشه نیمه خالی لیوان را می‌بیند.» برای برخورد با چنین کسی که قطعا در گروه افراد بدقلق قرار می‌گیرد، نکاتی وجود دارد که از این قرارند:

همدلی کنید

ایمی می‌گوید: «برای شروع، این را بدانید که حس قربانی بودن همیشگی همکارتان، هیچ ربطی به شما ندارد. پس آن را به خودتان نگیرید. سعی کنید عجولانه قضاوت نکنید. همدردی با او کمکتان می‌کند این را درک کنید که او دنیا را جور دیگری می‌بیند و زندگی کردن به شکل یک قربانی، آن هم هر روز، باید سخت باشد.» ویکز پیشنهاد می‌کند که نگاهتان نسبت به او را تغییر دهید و واکنش روانی‌تان نسبت به او را طوری تغییر دهید که به بهبود شرایط کمک کند. با او همدردی کنید. یادتان نرود: او نمی‌خواهد عمدا روی اعصاب شما راه برود. ویکز می‌گوید: «این درست مثل وقتی است که می‌شنوید پروازتان تاخیر دارد. می‌توانید مدام غر بزنید و عصبانی شوید یا بی‌خیال باشید و اجازه ندهید فکرش اذیتتان کند.» هدف شما لزوما این نیست که با دلسوزی به او نگاه کنید. همین که خنثی باشید کافی است.

مثبت باشید

ایمی می‌گوید: «سپس به این فکر کنید که چطور نگذارید رفتار سمی همکارتان روی شما تاثیر بگذارد.» در این شرایط باید مراقب خودتان باشید. او توصیه می‌کند که با یکی دیگر از همکارانتان وقت بگذرانید که انرژی منفی همکار بدقلقتان را خنثی کند. «باید دور و برتان را با آدم‌هایی پر کنید که به شما انرژی و حس‌های خوب و مثبت می‌دهند و شادتان می‌کنند.» وقتی مجبورید با همکار منفی‌تان وقت بگذرانید، راه‌هایی پیدا کنید که پس از آن، فشار ناشی از معاشرت با او را از روی خودتان بردارید. مثلا پیاده روی یا مدیتیشن کنید یا به موزیک گوش دهید. و مهمتر از همه، وقتی این شخص خاص روی اعصاب شما می‌رود، سعی کنید یک نقطه مثبت در او پیدا کنید. ویکز توصیه می‌کند: «وجوه مختلف او را کشف کنید. روی وجه غرغرو، شکاک یا عصبی او زوم نکنید. به دنبال وجوه تشابه باشید. حداقل به این فکر کنید که هر دویتان به سازمان متعهد هستید.»

داستان را جور دیگری روایت کنید

برخورد با یک چنین همکاری واقعا طاقت‌فرساست به خصوص اگر دائما دارید به ناله‌هایش گوش می‌کنید. اما ویکز می‌گوید: «وقتی او مصیبت‌نامه‌اش را بازخوانی می‌کند، مجبور نیستید سراپا گوش باشید. به جایش، تمرکز او را از غمو غصه‌هایه چیز دیگری معطوف کنید. چطور؟ با روایت یک داستان متضاد با واقعیت او.» فرض کنید همکارتان دارد پشت سرتونش بدمی‌گوید چون فکر می‌کند رئیس همه کارها را روی سر او ریخته و بقیه بیکارند. ویکز توصیه می‌کند که چیزی در این مایه‌ها بگویید: «می‌دانم که استرس زاست اما شرط می‌بندم چون تو از همه لایق تر و قابل اعتمادتری، کار بیشتری به تو می‌سپارد و نمی‌داند تحت فشاری.» پاسخ شما تحقیرآمیز یا از موضع بالا نیست. شما دارید به او نشان می‌دهید که می‌توان به این شرایط، جور دیگری هم نگاه کرد. یادتان نرود: هدف شما کمک به همکارتان است که یک نگرش متفاوت را انتخاب کند.

راه‌حل ارائه دهید

یک پاسخ دیگر به گلایه‌های بی‌پایان او، ارائه راهی برای حل مشکل است. ایمی می‌گوید: «دلیل گله و شکایت کردن او، شاید این است که یک نیاز ناگفته دارد که باید به آن رسیدگی شود. در این صورت، باید نقش مربی به خود بگیرید.» مثلا بگویید: «آیا انتظاراتی داری که بقیه از آن خبر ندارند؟» یا «تنیدم که بابت فلان قضیه ناراحتی. بیا بنشینیم و راه حل پیدا کنیم.» ویکز می‌گوید: «هدف شما، تمرکز روی احساسات او نیست، بلکه باید روی چالش حرفه‌ای‌اش تمرکز کنید. به او قدرت دهید و خودتان را از نظر روحی برای حل مشکلش آماده کنید.» هر کاری می‌کنید، حواستان باشد که او وارد فاز غرزدن نشود. این کار، کمترین فایده‌اش این است که او می‌فهمد نمی‌تواند پیش شما غر بزند و اگر بزند به مرور تمایلتان برای صحبت با او را از دست می‌دهید.

با او رودررو است باشید

رو در رو شدن با همکارتان و صحبت درباره رفتارش می‌تواند احساس ترس عمیقی در او ایجاد کند. ایمی می‌گوید: «اما اگر رفتار او دارد به عملکرد کسب و کار آسیب می‌زند، باید درباره تاثیرش با او صحبت کنید.» رئوف و یاملاحظه باشید. بگویید: «تو رهبر این تیم هستی. دارم می‌بینم که تحت فشار و استرسی. اما وقتی گلایه می‌کنی، روحیه تیم تضعیف می‌شود. آیا می‌شود کمی بیشتر به ارژی‌ای که می‌فرستی دقت کنی؟» هدف شما این است که به همکارتان نشان دهید که خلق و خوی او، «اثر موجی» دارد. یعنی دارای پیامدهای چندگانه و تصاعدی است. ویکز می‌گوید: «در ارتباط کلمات و لحن شما خیلی مهم است.» اگر بگویید: «تو شکاکی و خیلی نق می‌زنی.» او اصلا به حرفتان گوش نمی‌دهد. بهتر است درباره رفتارهایی صحبت کنید که باید در خود تقویت کند نه رفتارهایی که دوست دارید از آنها دست بردارد.

باوثیستان صحبت کنید

صحبت با مدیر درباره این شرایط هم می‌تواند مفید باشد. اما تصمیم درباره اینکه با رئیس صحبت کنید به این سادگی‌ها نیست. ایمی می‌گوید: «اگر پیش رئیس بروید و از همکارتان شکایت کنید، خودتان یک جورهایی شبیه همکارتان می‌شوید. اما اگر واقعا اعتقاد دارید که رفتار او دارد به تیم صدمه می‌زند یا روی کسب و کار تاثیر منفی گذاشته، باید دربارهاش صحبت کنید.» ویکز معتقد است که محوریت گفت‌وگو نباید «شخصیت‌ها» باشند. به جایش، چیزهایی بگویید که برای رئیستان مفید باشد. حرف هایتان را در قالب کار بزنید. مثلا شاید بخواهید بگویید که فلانی، حواس آدم را پرت می‌کند. هدف شما این است که «موضوع را طوری مطرح کنید که رئیستان بفهمد آن رفتار در محل کار، پذیرفته نیست.»

حد و مرز بگذارید

و در آخر، حد و مرزهایتان را مشخص کنید. ایمی می‌گوید: «اگر این فرد، همیشه سر میز شما می‌آید که آه و ناله کند، باید برای رابطه‌تان قوانین جدید تعریف کنید.» بی‌ادبی یا بی‌احترامی نکنید اما در مورد حد و مرزهایتان، صریح باشید. او در ادامه می‌گوید: «ساکت بمانید و با استفاده از زبان بدن، برایش پیغام بفرستید که بداند علاقه‌ای به صحبت ندارید.» ویکز اضافه می‌کند: «حتی اگر حس می‌کنید نمی‌توانید شرایط را درست کنید، حداقل می‌توانید آن را کنترل کنید.» به‌محض اینکه دیدید همکارتان نزدیک می‌شود، بگویید: «من شش دقیقه وقت برای صحبت دارم.» این استراتژی بی‌عیب و نقص نیست اما حداقل مجبور نیستید زیاد عذاب بکشید. هدف این است که نه مظلوم واقع شوید و نه به رفتارش دامن بزنید.

نویسنده: ریکا تایت

مترجم: مریم مرادخانی

بریده جراید

لاکچری جرم است؟

شهروند- از کی کلمه «لاکچری» بین لغات هر روزمان جا خوش کرد؟ از وقتی که دارودسته نقی معمولی و ارسطو عامل یونیک زندند و سعی کردند کلمات انگلیسی را در لهجه شیرین شیرگلفی‌شان دخیل کنند؟ یا قبل‌تر از آن وقتی که هنوز لوکس، کلمه لوکس و نامتعارفی محسوب می‌شد و لاکچری قرار بود کسی این عبارت را زمینی‌تر و ملموس‌تر کند برایمان؟ اما از هر زمان که این لاکچری در دهان‌ها چرخیده باشد و به هر نوع و هدفی که بیاش کرده باشیم، هیچوقت معنای منفی مطلقی برایمان نداشته است. یک توصیف ساده بوده از شرایط مطلوب و ایده‌آل مالی یا کالاهای دست‌نیافتنی. اما اگر دقت کرده باشید، مدتی است می‌خواهند به ضرب و زور تیترها این کلمه هم بشود یک برچسب برای قضاوت کردن. مثلا تیتر زده‌اند «رستوران‌های لاکچری پلمپ شدند»، «ماشین میلیاردی لاکچری در حین ورود به کشور توقیف شد» یعد در متن خبر، منظور رستوران‌هایی است که موسیقی غیرمجاز پخش کرده‌اند یا در زمان ماه مبارک رمضان تخلفاتی داشته‌اند و از قضا رستوران‌های لوکس هم بین‌شان بوده است. لوکس بودن عامل پلمپ نیست، یک صفت است که به برخی می‌چسبد و به برخی نه! یا خودروی میلیاردی اساسا به کشور قاچاق شده و هر قاچاقی ممنوع است و طبیعتا توقیف می‌شود حالا هم نیست لاکچری و میلیاردی باشد یا یک خودروی معمولی. اگر با این ترمین خبرهای روزمره را مرور کنید، به نمونه‌های بیشتری هم می‌رسید از کی کلمه لاکچری لنگی شد برایتان تخلف؟ قرار است این برچسب جدید جای چه چیزی را در بین خبرهای روزانه ما پر کند؟ می‌خواهند نشانه‌ها یا نقاط ضایتی اقتصادی عمومی را با این ترقند سرپوش بگذارند یا عبارتی جدید به دله‌دزشت‌ها آفاز اندهد! مرفهان بی‌درد، شمال شهری‌ها و... بیفزایند؟ بدیهی است که هرکسی- اگر می‌تواند- حق دارد لاکچری زندگی کند (با لهجه ارسطو عامل!). سامت لاکچری ببندند. خودروی لاکچری سوار شود و از رستوران و منزل لاکچری بهره ببرد. مهم این است که در این بین، دستش در جیب مردم نباشد. حتی را تاحق نکرده باشد یا قانون را دور نزده باشد. اگر اینها نیست، چرا باید لاکچری بودن را یک صفت سه‌آده و همه‌فهم کنیم برای قضاوت‌های کچ‌فهمانه؟ هولی کلمه‌ها و عبارت‌ها را داشته باشیم؛ هرقدر که به تازگی به گنجینه لغات‌مان اضافه شده‌باشند!

گرمای جهانی، قاره آفریقا را با خشکسالی و سیلاب درگیر می‌کند

همشهری آنلاین- کارشناسان محیط زیست هشدار دادند گرمای جهانی با وقوع خشکسالی‌ها و سیلاب‌های بیشتر در قاره آفریقا همراه است.

کارشناسان انگلیسی در بررسی‌های خود اظهار داشتند گرمایش جهانی موجب می‌شود در آفریقا با موارد بیشتری از خشکسالی و سیلاب نسبت به آنچه در گذشته پیش‌بینی شده بود، روبرو شویم.

در این بررسی جدید آمده است طی ۸۰ سال آینده این قاره با موارد شدیدتری از بارش باران روبه‌رو خواهد بود. در این شرایط احتمال وقوع سیلاب‌های فاجعه‌بار، طوفان و چالش‌های جدی در بخش کشاورزی بیشتر می‌شود. علاوه بر این، این شرایط جوی با خشکسالی‌های فاجعه‌بار در فصل رویش و کشت و کار محصولات همراه است که می‌تواند به محصولات و تولید مواد غذایی آسیب بزند.

به گفته کارشناسان، این وضعیت آب و هوایی ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی است که موجب افزایش سطح کربن دی اکسید در اتمسفر شده و گرمای هوا را به دنبال دارد. ماه گذشته سطح کربن دی اکسید به ۴۱۵ بخش در میلیون رسید. کارشناسان هشدار دادند، این روند طی چندین دهه افزایش خواهد بود که در نتیجه آن دمای جهانی به شکل خطرناکی افزایش پیدا می‌کند. آفریقا یکی از مناطق جهان است که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر تغییرات اقلیمی دارد.

همچنین مطالعات انجام شده روی الگوهای بارشی نشان می‌دهد مشکلات جدی در موضوعات امنیت غذایی و مواجهه با خشکسالی پیش روی این قاره است.

هشدار درباره یک تنبلی مخرب!

شهر کتاب- سیروس توثری از توجه نداشتن شاعران امروز به ادبیات کهن می‌گوید و آن را تاثی از تنبلی و بسیار مخرب می‌داند.

این شاعر و پژوهشگر درباره میزان اثرپذیری آثار ادبی معاصر از ادبیات کهن اظهار کرد: در ادبیات داستانی ما اتفاقا تاثیر ادبیات کلاسیک خیلی خوب متجهود است؛ مثلا در آثار کسانی مثل ابوترابِ خسروی یا شهریار منتقی‌پور و از نسل‌های قبل‌تر کسانی مثل ابراهیم گلستان یا هوشنگ گلشیری کاملا مشخص است که ادبیات و نثر کلاسیک را خوب خوانده و از آن تاثیر گرفته‌اند. که این تاثیر کاملا مثبت است و وجه خلاقه دارد و به گسترش زبان کمک می‌کند.

او افزود: من معتقدم یکی از وظایف هنرمند، یعنی کسی که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کند، گسترش زبان است. من این را در نویسنده‌های من می‌بینم؛ برای مثال ابراهیم گلستان در داستان‌هایش به نثر موزون روی آورده است و این نثر من می‌دهد که او ادبیات کلاسیک را خوانده و از آن تاثیر گرفته است.

در نثر آل احمد هم این دیده می‌شود. ولی متاسفانه در شعر امروز من این را نمی‌بینم. شاعران نسل‌های اخیر اصلا به ادبیات کلاسیک توجه ندارند و آن را نمی‌خوانند. در این میان کسانی هم دنبال شعر موزون بوده‌اند؛ همانند قیصر امین‌پور. او به شدت تحت تاثیر متشیری است و نتوانسته برای زبان کاری انجام دهد و در تاثیرپذیری از ادبیات کلاسیک چیزی از خودش نشان نداده است. با شعر قیصر یاد فریدون مشیری می‌افتیم.

توثری سپس به سادنویسی سال‌های اخیر در شعر سیدیا تیز اشاره کرد و گفت: در شعر سپید، در ۲۰ - ۳۰ سال اخیر سادنویسی‌ای راه افتاده است که نتمان می‌دهد شاعران مطلقا ادبیات کلاسیک را نمی‌خوانند و دلیل اصلی آن هم این است که تنبل هستند و حاضر نیستند حافظ، سعدی، فردوسی و مولوی را بخوانند و این یک معضل بزرگ است. در شعر تاثیرات بسیار مخرب نخواندن ادبیات کلاسیک دیده می‌شود. البته منظورم از تاثیرپذیری، تقلید نیست و در واقع خواندن، نگاه خلاقه کردن و از تلفیق ادبیات کلاسیک با زبان امروز فارسی زبان آفرینی جدید کردن است.

او با بیان این که وقتی شعرهای امروز را می‌خوانید، متوجه می‌شوید که اصلا به زبان توجهی ندارند و این بسیار مخرب است، اظهار کرد: این آثار فراموش می‌شوند. البته همین حالا هم فراموش شده هستند ولی واقعیت این است که آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده این ادبیات به کدام سمت می‌رود و چه اتفاقی می‌افتد. ادبیات مستقل از جریان‌های تاریخی حرکت نمی‌کند برای همین باید بیبینیم جامعه ما آبستن چه حوادث تاریخی‌ای است که این‌ها بر ادبیات تاثیر می‌گذارد و من در صلاحیت خودم نمی‌بینم که آینده را پیش‌بینی کنم.

این شاعر افزود: ذهن تنبل و بی‌سواد باعث شده که سیلی بیاید و شعر معاصر امروز را بگیرد. که این کاملا تلخ و سیاه است. ولی همه چیز آسان گرفته می‌شود. ادبیات من هم آسان گرفته می‌شود.

او در پایان بیان کرد: من شخصا خودم در شعرم به شدت تلاش کردم تلفیقی از زبان کلاسیک فارسی و زبان امروز فارسی به وجود بیاورم؛ کاری که در توع خودش تجربه انجام داده‌اند و شاملو انجام داده‌اند یا حتی سپهری. اما هر کدام در توعیت خود بوده‌اند و نه در تقلید از هم. مثلا شاملو نثر کلاسیک را با زبان امروز و اخوان شعر خراسانی را با زبان تیما تلفیق کرده و تیما هم زبان خیتن خود را از ادبیات کلاسیک وام گرفته است. من هم سعی کردم بدون تقلید زبان‌آفرین باشم و فکر می‌کنم هر شاعر جدی‌ای باید این کار بکند.